

بررسی متغیر جنسیت با تکیه بر زبان زنانه در رمان کنیزو اثر منیرو روانی پور

دکتر حسن دلبری

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری

هدی میرزایی*

علی محمد عرب پور محمدآبادی**

چکیده

هدف مقاله این است که با تکیه بر مطالعات زبانشناسی اجتماعی و با توجه به متغیرهای لیکاف و دیگر زبانشناسان، به بررسی ویژگیهای زبان زنانه در رمان کنیزو اثر منیرو روانی پور بپردازد. با بررسیها این نتیجه به دست آمد که روانی پور به طور قابل توجهی در این رمان، زبان زنان داستان را از شکل ضعیف زبانی بیرون آورده است که زبانشناسان بر آن تکیه دارند. با اینکه زنان، تا حدودی رنج کشیده و ضعیف و مورد ظلم مردان هستند در زبان ایشان تفاوت بارزی با زبان مردان دیده می شود و به صورت قابل توجهی از ضعف تعریف شده از سوی زبانشناسان مبرا است.

کلیدواژه ها: زبان زنانه در داستان امروز، جنسیت در زبان در داستانهای فارسی امروز، زبان داستان کنیزو، تفاوت زبانی مردان و زنان



۱. درآمد

یکی از موضوعات مهم و قابل بررسی در ادبیات، جایگاه زنان و مشکلات آنان است. با توجه به اینکه از گذشته تاکنون، زنان نسبت به مردان به دلیل بعضی از سنتها و عادات و رسوم مختلف جایگاه فرودست‌تری داشته‌اند، «فمینیسم، مدت‌ها پس از اعتراض زنان به این موقعیت فرودست خود آغاز، و خواهان از بین رفتن تبعیض میان مردان و زنان شد» (فریدمن، ۱۳۸۲: ۶)؛ سپس این نگرشهای منفی نسبت به زنان زمینه‌ساز به وجود آمدن جنبشهایی با عنوان «فمینیسم»^۱ شد که در آن به احقاق حقوق پایمال‌شده زنان می‌پرداخت و سبب به وجود آمدن مطالعات مختلفی در زمینه زنان شد که شامل حوزه‌های ادبی نیز می‌شود. همین عوامل سبب شده است مطالعات در حوزه زنان جزو مطالعات پرطرفدار از سوی پژوهشگران قلمداد شود. نویسندگان آثار داستانی در دوره‌های معاصر، زنان را به گونه‌های مختلف براساس نوع تفکر و یا جهتگیریهای خاص خود در آثارشان بازتاب داده‌اند. موضوع زن و نوع نگاه و نگرش به او در روزگار معاصر بویژه در محافل روشنفکری و دانشگاهی محل بحثها و اظهارنظرهای مختلف قرار گرفته است و به همان دلیل که بیان شد این نگاه‌ها کم و بیش در آثار داستانی بازتاب یافته است.

یکی از زمینه‌های مورد بررسی در حوزه مطالعات زنان، زبان است که همواره مورد توجه زبان‌شناسان قرار گرفته است. همراه با رشد و گسترش شاخه‌های مختلف زبان‌شناسی و افزایش شواهد و مدارک زبان‌شناختی جمع‌آوری شده از نقاط مختلف جهان، زبان‌شناسان دریافته‌اند که زبان زنان و مردان اختلافات زیادی دارد. این شواهد و مدارک همگی بر این نکته تأکید دارد که زنان و مردان زبان را به شیوه متفاوتی به کار می‌برند. هر جنس اصطلاحات، واژه‌ها و حتی گونه‌های نحوی خاص خود را دارد. جامعه‌شناسان زبان، این تغییرات را ناشی از عوامل متعددی از جمله نژاد و قومیت، دین، طبقه اجتماعی، سطح تحصیلات و بویژه جنسیت می‌دانند. برای اولین بار رابین لیکاف^۲ با انتشار کتاب زبان و جایگاه زنان و چندین مقاله دیگر به صورت جدی و علمی، اختلافات زبانی زنان و مردان را تشریح کرد. او معتقد بود تفاوت قدرت در میان زنان و مردان باعث به وجود آمدن مردانی حاکم و سلطه‌گر از یکسو و زنانی تابع و مطیع از سوی دیگر می‌شود. در اجتماع به طور نسبی زنان پایگاه اجتماعی و نقشهای

محدودتری دارند؛ این بی‌ثباتی و تزلزل اجتماعی در رفتار زبانی آنان بازتاب در خور ملاحظه‌ای دارد.

زنان در فرایند اجتماعی شدن می‌آموزند محتاطانه و کاملاً مؤدبانه رفتار کنند و مأخوذ به حیا باشند. قطعیت در کلام را شایسته زنان نمی‌دانند و این سبب می‌شود تا زنان کمتر از گفتاری قاطعانه استفاده کنند. جامعه هم به دنبال این تقسیم قدرت از زنان رفتاری مبادی آداب را انتظار دارد که باعث می‌شود ایشان کمتر از صورتهای رکیک زبانی استفاده کنند (ارباب، ۱۳۹۱: ۱۰۸ و ۱۰۹).

لیکاف از این سبک گفتار زنانه با عنوان «زبان ضعیف» یاد می‌کند و تسلط مردان را در سلسله مراتب طبیعی جنسیت عامل استفاده از این عنوان می‌داند. زنان «به نظر لیکاف برای یافتن جایگاهی مناسب با شأن خود در جامعه با زبان مؤدبانه صحبت می‌کنند» (بهمنی‌مطلق، ۱۳۹۳: ۷۶). شاید بتوان گفت بهترین کاری که در زمینه تفاوت‌های جنسیتی در سبک ارتباط کلامی صورت گرفته، توسط لیکاف بوده است. به عقیده رابین لیکاف تفاوت‌های زبانی میان زنان و مردان یکی از نتایج نابرابری اجتماعی است و ویژگی‌های زبانی آنان بازتاب تفاوت‌هایی است که از نظر نقش و موقعیت اجتماعی میان اعضای این گروه وجود دارد (فارسیان، ۱۳۷۸: ۱۲).

در دوره معاصر، که زنان در سایه تفکرات فمینیستی و زنگریانه، مجال حضور و ورود به قلمرو زبان و ادبیات را یافتند و قلم در دست گرفتند تا نقش مؤلف را ایفا کنند، توانستند به بیان و تعریف هستی خود بپردازند. داستان‌نویسان زن بتازگی به قلمرو ناشناخته زبان - که بر اساس معیارهای مردانه ساخته شده است - پای نهاده‌اند و به ابتکاراتی در عرصه ادبیات بویژه عرصه داستان‌نویسی دست زده‌اند. شخصیت‌های داستانهای زنان، اگرچه غالباً زن هستند و موضوع داستان حول محور مشکلات آنها می‌گردد، مردان هم، دوشادوش زنان در داستانهایشان حضور دارند و گاه جزو شخصیت‌های اصلی به شمار می‌روند. در این پژوهش برآنیم تا به بررسی زبان زنانه در رمان کنیز و اثر منیرو روانی پور با تکیه بر متغیرهای لیکاف بپردازیم. متغیرهای لیکاف در یازده گروه جای می‌گیرد: ۱. زبان معیار و استاندارد و زبان عامیانه ۲. دستورها و کلام آمرانه ۳. قاطعیت و انقیاد و فرمانبری ۴. قطع کلام و نوبتگیری ۵. تعدیل‌کننده‌ها و تشدیدکننده‌ها ۶. پرسشهای ضمیمه‌ای ۷. دشواژه‌ها ۸. سوگندواژه‌ها ۹. جملات و عبارات تعجبی ندایی ۱۰. صفات و بارعاطفی کلام ۱۱. رنگواژه‌ها.

در این راستا دو پرسش وجود دارد: «آیا زبان شخصیت‌های زن داستانها شکل مردانه می‌گیرد و یا همان ضعف داستانهای مرد نوشته را دارد که تحت تأثیر زبان زنانه قرار دارد؟ پرسش مهمتر اینکه آیا نویسندگان زن توانسته‌اند بر مردسالاری زبان غلبه، و زبان زنانه را اجرا کنند.

۱-۱ پیشینه پژوهش

تاکنون در حوزه زبان زنانه پژوهشهایی انجام شده است. بهمنی مطلق، زبان زنان را در آثار سیمین دانشور و جلال آل احمد بررسی کرده است که در آن به زنانگی در کلمات، جملات، نوع نگاه به زندگی و پرداختن به مسائل مختلفی پرداخته است که در آن نقش دارد و آثار زنان را از مردان متفاوت می‌کند (بهمنی مطلق، ۱۳۹۱). او همچنین در مقاله‌ای دیگر به پژوهش میان رابطه زبان و جنسیت در رمان شبهای تهران اثر غزاله علیزاده پرداخته که در این مقاله نیز تفاوت نگرش ذهنی و نمود جنسیت صاحب اثر را در لایه‌های مختلف زبانی او بررسی کرده است (بهمنی مطلق، ۱۳۹۳). پاکنهاد جبروتی در کتاب خود با بررسی فرادستی و فرودستی در زبان، جایگاه جنسیت نویسنده و شخصیت داستانی زن و مرد را به ترتیب به عنوان نویسنده و شخصیت فرودست و فرادست مورد واکاوی قرار داده است. (پاکنهاد جبروتی، ۱۳۸۱). جان‌نژاد (۱۳۸۰) در پایان نامه خود با عنوان زبان و جنسیت، پژوهشی زبان‌شناختی اجتماعی تفاوت‌های زبانی میان گویشوران مرد و زن ایرانی در تعامل مکالمه‌ای به این نتیجه رسیده که مردان در مقایسه با زنان سهم بیشتری از گفت‌وگو را در اختیار دارند. همچنین تحلیل گفتمان بازتولید زبان جنسیتی در مجلات عامه‌پسند فارسی در ایران نوشته قربانعلی ابراهیمی است که نویسنده از دیدگاه میشل فوکو و روش‌شناسی نورمن فرکلایف به بررسی زبان جنسیتی حاکم بر گفتمان غالب بر فضای اجتماعی ایران در داستانهای عامه‌پسند پرداخته است. بررسی نشان می‌دهد که ذهنیت افراد جامعه، بویژه زنان، تحت تأثیر ناخودآگاهی است که حامل خواست گفتمان جنسیتی حاکم است (ابراهیمی، ۱۳۸۸). بهروز محمودی بختیاری و مریم دهقانی نیز در مقاله‌ای تحت عنوان رابطه زبان و جنسیت در رمان معاصر فارسی، بررسی شش رمان با تکیه بر نظریه لیکاف با استفاده از متغیرهای او به بررسی شش رمان از زویا پیرزاد و ... پرداخته‌اند (بختیاری، ۱۳۹۲). زبان زنان موضوعی جدید در ادبیات است که کمتر مورد بررسی و تأمل قرار گرفته است.

همچنین پژوهشگرانی چون نوشین فر (۱۳۷۴)، برزگر آق‌قلعه (۱۳۷۸)، مدرسی (۱۳۸۷) نیز در حوزه جنسیت در زبان مقالاتی نوشته‌اند که به نسبت آنچه در این پیشینه آمد، نزدیکی کمتری به موضوع مورد بحث دارند و به تناسب مطلب در متن مقاله از آنها استفاده شده است؛ با وجود این نوع نگاهی که در این مقاله نسبت به زبان منیرو روانی پور و بویژه رمان کنیز و وجود دارد به این شکل سابقه‌ای ندارد و امید است در نوع خود پژوهشگران این حوزه را به کار آید.

۲. بازشناخت اجمالی نویسنده

منیرو روانی پور در جفره بوشهر به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر بوشهر گذراند و در دانشگاه شیراز روانشناسی خواند؛ سپس برای ادامه تحصیل به امریکا رفت و در رشته علوم تربیتی از دانشگاه ایندیانا کارشناسی ارشد گرفت. روانی پور از سال ۱۳۶۰ داستان‌نویسی را به‌طور جدی شروع کرده است. اولین کتابش به نام کنیز و در سال ۱۳۶۷ منتشر شد؛ پس از آن تعداد زیادی داستان کوتاه و چند رمان نوشت. داستان رعنا از مجموعه نازلی در دوره سوم جایزه گلشیری و در سال ۱۳۸۲ برگزیده شده است.

در سال ۱۳۷۹ روانی پور از شرکت‌کنندگان کنفرانس برلین بود. قهرمان داستان زن فرودگاه فرانکفورت نیز زنی است که قرار بوده است در کنفرانس برلین داستان بخواند؛ اما با مشکلاتی که در حاشیه کنفرانس برلین به وجود می‌آید، فرصت داستان‌خوانی را از دست می‌دهد و علاوه بر آن در کشورش نیز برای شرکت در این کنفرانس مورد شماتت قرار می‌گیرد. روانی پور در سال ۱۳۸۵ از اولین حامیان کمپین یک میلیون امضا برای تغییر قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان در ایران بود. وی از دسامبر ۲۰۰۷ با خانواده‌اش در امریکا به سر می‌برد.

۲-۱ آثار نویسنده

هر چند سبک و زبان نویسنده در طول سالها تغییر می‌کند، دغدغه‌های او ثابت است. عناصر ویژه داستانی، طبیعت حاکم بر فضای داستانها و نقش برجسته زن‌ها از همان کتاب اول در داستانها حضور دارد. بعضی از شخصیت‌های داستانی مانند مریم یا گلپر نیز در داستانهای مختلف روانی پور بارها ظاهر می‌شوند.

در راستای پرهیز از تفصیل بی مورد آثار نویسنده مورد بحث تنها در قالب جدول ذیل ارائه شود:

رمانها	داستان کوتاه و مجموعه داستان	کودکان
اهل غرق (۱۳۳۸)	گنجشک و آقای رئیس جمهور (۱۳۵۵)	گنجشک و آقای رئیس جمهور
دل فولاد (۱۳۶۹)	کنیزو (۱۳۶۷)	ترانه‌های کودکان
کولی کنار آتش (۱۳۷۸)	سنگهای شیطان (۱۳۶۹)	
	سیریا سیریا (۱۳۷۲)	
	زن فرودگاه فرانکفورت (۱۳۸۰)	
	نازلی (۱۳۸۱)	

۳. بررسی رمان براساس مؤلفه‌های لیکاف:

یکی از جنبه‌های قابل بررسی زبان زنانه در نظریه لیکاف در فرم به کارگیری واژه‌ها و گزاره‌ها نمود می‌یابد. این فرم می‌تواند به صورت کاربرد زبان معیار، عامیانه و محافظه‌کارانه و در زیر گروه‌های دیگری جای گیرد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۳-۱ کاربرد زبان معیار، عامیانه و محافظه‌کارانه

نقشهای اجتماعی گوناگون، الگوهای رفتاری متفاوت و انتظارات اجتماعی مختلفی به وجود می‌آورد و به همین دلیل است که انتظارات اجتماعی از زنان و مردان در زمینه رفتار اجتماعی آنان یکسان نیست. رفتار زبانی یکی از جنبه‌های رفتار اجتماعی انسان است و بنابراین تابع ملاکها و اصول کلی آن است. به نظر زبان‌شناسان اجتماعی از آنجا که در بیشتر جوامع از زنان در مقایسه با مردان رفتار اجتماعی صحیحتر و مناسبتری انتظار می‌رود، رفتار زبانی آنان نیز نه تنها با مردان متفاوت است بلکه به طور کلی از نظر اجتماعی از شکل‌های بهتر یا صحیحتر بیشتر از مردان استفاده می‌کنند. شاید علت آن چنین باشد که فشارهای اجتماعی - فرهنگی در هر جامعه بر روی زنان بیشتر است. همین امر آنان را نسبت به رفتار زبانی خود و کاربرد ویژگیهای زبانی معتبر حساستر می‌کند (نوشین فر، ۱۳۸۱: ۱۸۶). از نظر «لیکاف»، تفاوت گفتاری زنان و مردان بیشتر از

اینکه در حیطهٔ زبان‌شناسی و تفاوت گفتاری قابل بررسی باشد انعکاس‌دهندهٔ روابط فرهنگی جامعه است؛ بدین معنا که در حیطهٔ فرهنگی جامعه، سطح انتظارات از هر زن با سطح انتظارات از مرد متفاوت است؛ حتی در جوامعی مانند جوامع صنعتی که نقش‌های زنان و مردان چندان از یکدیگر دور نیست، تفاوت‌هایی در گفتار زنان و مردان وجود دارد.

بیشتر این تفاوت‌ها بنا بر منزلت زن یا مرد در جامعه قابل تبیین است. مردان اغلب برای کسب یا حفظ پایگاه اجتماعی صحبت می‌کنند و با توجه به اینکه در جامعه از قدرت بیشتری برخوردار هستند، انعکاس این قدرت در صحبت‌هایشان به صورت تأکید و اطمینان مشهود است؛ اما زنان با حفظ موقعیت خود سعی دارند تا در اجتماع، صورت بهتری از خود عرضه کنند (نرسیسیانس، ۱۳۸۳: ۴۰۱).

با توجه به فضای حاکم در رمان کنیز و جو خاص سنتی که در طول داستان به چشم می‌خورد، اینگونه برداشت می‌شود که نویسنده شخصیت‌های زن، داستان‌هایش را به استفاده از نوع بهتر و درست‌تر زبان ملزم نکرده است. نویسنده در هر بخش داستان از زبان شخصیت‌هایش نوعی اعتراض به ظلم از سوی مردان را به مخاطب القا می‌کند که همین باعث می‌شود در زبان ایشان نمود پیدا کند؛ هر چند زنان داستان در مقایسه با شخصیت‌های مرد، صورت صحیح‌تری از زبان را به کار می‌گیرند. در این پژوهش برای سنجش زبان معیار و محافظه‌کارانه، دو متغیر **دشوآژه‌ها** و **کلمات و ضرب‌المثل‌های عامیانه** بررسی شده است که میزان کاربرد این دو متغیر هنجارمند و محافظه‌کارانه بودن زبان را نشان می‌دهد.

۳-۱-۱ نمونه‌ای از زبان عامیانه

زبان عامیانه از سوی کاربران مرد و زن بدون داشتن تغییر بسامدی معنی‌داری به کار می‌رود؛ اما تفاوت عمده در انتخاب ترکیبها یا گزاره‌هایی است که جنسیت نویسنده را بازتاب می‌دهد. این انتخاب آنقدر فراگیر است که حتی ما را در اینکه ترکیبها و گزاره‌ها آگاهانه انتخاب، و یا متناسب با جنسیت صاحب اثر به صورت ناخودآگاه از ذهن او صادر می‌شود، مردد می‌کند:

«از مدرسه که مرخص شدی، یه راس بیا خونه، ورپریده کلا سرمون رفته اینجا، جای خوبی نیس» (روانی پور، ۱۳۸۰: ۸).

«اووهی، چرا ماتت برده هنوز نیومده سر به هوا شدی» (همان: ۱۰).

«پس بذارن رو سرشون حلوا حلواش کنن» (همان: ۲۲).
 «حالا یه کفتر افتاده تو چنگش مگه ول می‌کنه» (همان: ۳۴).
 «اشکتون دم مشکتونه، برین سر خونه زندگیتون» (همان: ۴۶).
 «فکرکردن فایده نداره، دلت برای خودمون بسوزه مدینه. تا دو روز دیگه، آبادی از گشنگی می‌مرد، هر کسی دلش می‌خواد پیداش کنه، اما اگه نکنه، روزگارمون تخته‌س» (همان).
 «مادربزرگ به آسمان نگاه می‌کند و آه می‌کشد. «امشب ماه رو ذله می‌کنه»» (همان: ۵۵).
 «با مشت کوبید تو ملاجم. همین حالا هم انگار می‌ترسه که لوش داده باشم، اما خدا شاهده من لام تا کام نگفتم و نمی‌گم» (همان: ۱۲).

۳-۱-۲ نمونه‌ای از دشواژه‌ها

هرچند کاربرد دشواژه‌ها به تناسب جنسیت متغیر است، در داستانهای روانی‌پور بویژه آنجا که بر نگرشی فمینیستی مبتنی است این تعادل تا حدی دچار تزلزل می‌شود:
 «مادر فریاد زنان یقه پدر را می‌گرفت: «کدام قرمساقتی اینجا رو به تو قالب کرده؟ بگو، بگو تا جد و آبادشو بدم دس زنش»» (همان: ۹).
 «بی‌پدر از سلیطه‌ها چیز می‌گیری» (همان: ۱۱).
 «ای بی‌غیرت، ادا در نیار، عمدا له‌ش کردی، مگه کور بودی» (همان: ۱۳۶).
 حساسیت زنان در کاربرد شکل‌های معیار زبان سبب شده است که آنها رفتار زبانی محافظه‌کارتری داشته باشند و از صورتهای جدید یا غیرمعتبر، که به‌نوعی با طبقات پایین جامعه ارتباط دارد، کمتر استفاده کنند در حالی که «مردان در استفاده از صورتهای غیرمعتبر، کمتر محافظه‌کاری نشان می‌دهند» (نوشین‌فر، ۱۳۸۱: ۱۸۶).
 معروف فمینیست، زنان را استادان استفاده از حُسن بیان می‌داند؛ اما برخلاف زنان، مردان در عرصه گفتار بسیار رقابت‌گرا و در پی نشان‌دادن غلبه و برتری خود بر طرف مقابل هستند و از نظر اجتماعی هم آزادیهای بیشتری دارند و به همین دلیل خیلی بیشتر از زنان از دشواژه‌ها بویژه دشواژه‌های رکیک استفاده می‌کنند. با بررسی رمان کنیزو می‌توان به این نتیجه رسید که شخصیت‌های زن داستان در استفاده از صورتهای غیرمعتبر و گاه مردانه، کمتر محافظه‌کارانه عمل کرده‌اند و علاوه بر نمونه‌های بیان شده این نوع گفتار در همه جای رمان دیده می‌شود. می‌توان اینگونه برداشت کرد که انتخاب این

نوع گفتار برای شخصیت‌های زن داستان از سوی نویسنده اشاره به چگونگی تفکر فمینیستها به این دو گانگی زبانی است.

۳-۱-۳ زبان آمرانه

زنان در گفتگوها در پی برقراری تعامل و ارتباط مثبت با دیگران هستند. این عوامل باعث شده است آنان به جای استفاده از دستورهای مستقیم، بیشتر منظورشان را به طور پیشنهادی یا غیرمستقیم مطرح کنند. «دستورهای مردانه مستقیم بیان می‌شود و با تحکم شدید همراه است، امر تشدید و دستورهای زنانه که بیشتر به صورت پیشنهادی یا غیرمستقیم مطرح می‌شود، امر تعدیلی نامگذاری شده است» (بهمنی‌مطلق، ۱۳۹۳: ۱۴).

نمونه‌هایی از کلام آمرانه:

«بشین گریه کن... بدتر زهرش می‌ترکه» (روانی‌پور، ۱۳۸۰: ۱۸).

«پاشو بهش آب بده، اینا هم گندشو در آوردن» (همان: ۳۵).

«حالا دیگه عروسی، بشین سرجات» (همان: ۴۱).

«بیا کمک کن. دادمش به اون، رفت که پیداش کنه... بیا کمک کن» (همان: ۶۳).

در بعضی بخشهای رمان، بویژه در فصل کنیز و آبیها، شخصیت‌های زن داستان دستورهای مستقیم می‌دهند و کلامشان آمرانه است که تا حدودی گفته زبان‌شناسان را نقض می‌کند ولی در بخشهای دیگر رمان این متغیر کمتر به چشم می‌خورد و کلام زنان را از حالت آمرانه مستقیم خارج می‌کند و حالت تعدیلی به خود می‌گیرد.

۳-۱-۴ قاطعیت و انقیاد

در پژوهشهایی اریکسون^۲، جانسون^۳ و اُبار^۴، سبکهای گفتار قدرتمندانه و سبکهای ضعیف مورد بررسی قرار گرفته است. آنان استدلال کردند که سبکهای گفتاری با جایگاه و قدرت اجتماعی پیوند و وابستگی دارد. «از نظر لیکاف زبان مردانه قاطعانه، بزرگسالانه و مستقیم و زبان زنانه نابالغ، خیلی رسمی و بیش از حد مؤدبانه و غیرقاطعانه است» (بهمنی‌مطلق، ۱۳۹۳: ۲۱). افراد با جایگاه پایین عموماً سبکهای گفتاری ضعیف را به کار می‌برند که با تشدیدکننده‌ها، تعدیل‌کننده‌ها، درنگها، فرمهای سؤالی (استفاده از لحن خیزان، فرمهای سؤالی با استفاده از زیر و بم صدا)، فرمهای خیلی مؤدبانه و با ژست و پرستیژ بالا و اشاره در هنگام صحبت، استفاده می‌کنند.

در حالی که افراد با جایگاه بالا کمتر فرمها و شکلهای ضعیف را به کار می‌برند و

زنان از آنجا که در اجتماع، جایگاه ضعیفی دارند از شکلهای ضعیف زبانی استفاده می‌کنند و بالعکس فرمهای مردانه با قاطعیت و قدرتمندانه است (محمّدی اصل، ۱۳۸۸: ۱۴۴).

در این پژوهش قاطعیت و انقیاد در زبان شخصیت‌های زن رمان کنیز و متغیرهایی چون تشدیدکننده‌ها، تعدیل‌کننده‌ها، پرسشهای ضمیمه‌ای و نقل قول مستقیم مورد بررسی قرار می‌گیرد. نمونه‌هایی از این متغیرها:

۳-۱-۴-۱ تشدیدکننده‌ها

زنان در مکالمه‌ها در پی برقراری تعامل و ارتباط مثبت با دیگران هستند. این عوامل باعث شده است آنان به‌جای استفاده از دستورهای مستقیم، بیش‌تر منظورشان را به‌طور پیشنهادی یا غیرمستقیم مطرح کنند. دستورهای مردانه مستقیم بیان می‌شود و با تحکم شدید همراه است، «امر تشدید و دستورهای زنانه که بیشتر به‌صورت پیشنهادی یا غیرمستقیم مطرح می‌شود، امر تعدیلی نام‌گذاری شده است» (بهمنی مطلق، ۱۳۹۳: ۱۴).

«آره آدم‌های خوبی بودن، آدم خوب خیلی کمه» (روانی‌پور، ۱۳۸۰: ۱۴).

«می‌خواهی یادت بدم؟ آسونه خیلی آسونه» (همان: ۱۶).

«نکن... اصلاً نکن، بعد مادر می‌گه... تو، تو خوب نیستی» (همان: ۱۹).

«بعدش که عروسی کردیم دیگه نمی‌ذاره ننه برای مردم نون بپزه، فقط برای خودمون می‌پزه، عمو ابراهیم خیلی خوبه، هیچ ترسی نداره» (همان: ۴۰).

«ها، تا دریا خیلی راه بود... باید ببینی، خودت باید ببینی، خالو و خالوزاده‌ها هستند. باید بری و ببینی ما چطور ایستادیم» (همان: ۶۹).

۳-۱-۴-۲ تعدیل‌کننده‌ها

از نظر زبان‌شناسان تعدیل‌کننده‌ها از کلیشه‌های گفتاری زنان است. لیکاف معتقد است گویشوران زن بیشتر از گویشوران مرد از تعدیل‌کننده‌ها استفاده می‌کنند. او چگونگی خاص اجتماعی شدن زنان را علت گرایش آنها به استفاده از تعدیل‌کننده‌ها می‌داند.

او عقیده دارد، زنان در فرایند اجتماعی شدن یاد می‌گیرند که بیان و اظهار قاطع و با اطمینان، ویژگی شایسته زن نیست و قدرت فقط مختص مردان است. فی‌شمن نیز استفاده بیشتر زنان را از تعدیل‌گرها تأیید کرده ولی او معتقد است علت گرایش زنان به کاربرد تعدیل‌گرها جلب توجه مخاطب است؛ زیرا در گفتگوهای مختلط مردان کمترین توجه را نسبت به گفته‌های زنان نشان می‌دهند (شکاری، ۱۳۹۳: ۱۰۹ و ۱۰۸).

«خب، خب... این طور نیست، یعنی همیشه نیست، بعضی وقتا...» (همان: ۱۹).

«شاید نگرش داشتن، شاید زنجیرش کردن» (همان، ۴۶).

«لابد ناخوش بوده، این سه روز ناخوش بوده» (همان، ۴۹).

«محکم زنها، محکم بزنین شاید راه رو گم کرده باشن» (همان، ۵۹).

۳-۴-۱-۳ پرسشهای ضمیمه‌ای

پرسشهای ضمیمه‌ای عباراتی کوتاه در پایان جملات خبری است که آن را سؤالی می‌کند؛ مانند روز قشنگیه، مگه نه؟ طبق آزمایشهای محققان، زنان تقریباً دو برابر مردان از پرسشهای پایانی کوتاه بهره می‌برند؛ به عنوان مثال عباراتی مانند «مگه نه؟»، «بگم دیگه» و... در گفتار زنان رایجتر است. از نظر ایشان، نبودن پرسشهای پایانی کوتاه در اظهارات مردان حاکی از اعتماد به نفس آنهاست که قاطعانه ابراز عقیده می‌کنند و تزلزلی به خود راه نمی‌دهند؛ این در حالی است که استفاده زنان از این نوع سؤالات بر نبودن اعتماد به نفس ایشان دلالت دارد. به اعتقاد لیکاف، اشخاصی که بارها از این پرسشها استفاده می‌کنند، نشان می‌دهند که به اظهارات خویش اطمینان ندارند و نظر مخاطب را جویا می‌شوند؛ به علاوه ممکن است تعهدی نیز نسبت به اظهارات خویش نداشته باشند. وانگهی شخص با چنین تردیدی به دنبال تأیید دیگران است. این مطلب را می‌توان به گونه‌ای دیگر نیز تفسیر کرد؛ در این حالت، این امر حاکی از حساسیت و گرمی بین فردی زنان است که به تداوم گفتگو تمایل دارند (ر.ک: شکاری، ۱۳۹۳).

کامرون (۱۹۸۸) کاربرد بیشتر پرسشهای ضمیمه‌ای توسط زنان را نشانه‌ای از کنترل گفتگو و نوعی روش مؤدبانه به منظور تلاش برای تداوم آن تفسیر می‌کند و فرضیه لیکاف را مبنی بر اینکه پرسشهای ضمیمه‌ای نشانه تردید و عدم قطعیت زنان است رد می‌کند. زبان‌شناسان پرسشهای ضمیمه‌ای را از کلیشه‌های زبانی زنان می‌دانند. لیکاف (۱۹۷۵) معتقد است، پرسشهای ضمیمه‌ای قدرت اظهار نظر قطعی را کاهش می‌دهد و نشانه عدم قطعیت گوینده است. او، این موضوع را به صورتی دیگر تحلیل می‌کند و بین ویژگیهای زبانی و موقعیت اجتماعی زنان، نوعی رابطه مستقیم متصور است و اعتقاد دارد عدم قطعیت در گفتار این گروه، که به صورت طرح نمایان است با نبود اطمینان آنان از اوضاع جایگاه اجتماعی متزلزلی ارتباط دارد که در آن قرار دارند. با

توجه به این نظریات زبان‌شناسان، استفاده از پرسشهای ضمیمه‌ای نشان‌دهنده عدم قطعیت و نوعی مؤدبانه‌تر کردن گفتار تلقی می‌شود.

«پنجره نشستی که چی بشه؟ مگه نمی‌فهمی اینجا شهره؛ مگه نمی‌بینی سلیطه رد می‌شه؟» (همان: ۹).

«سینما سیل می‌کنی، ها؟... می‌خوای بدبختم کنی ها؟...» (همان: ۱۷).

«نیدی؟ صداش، صداش میاد» (همان: ۳۵).

«هشتاد سال و بلکه صد سالش بود خالو، نه دندان داشت و نه جوانی. اصلا کاری ازش می‌آمد؟ دستش تفنگچی‌هاش بودند» (همان: ۷۷).

۳-۱-۴-۴-۴ جملات ناتمام

ناتمام گذاشتن گزاره‌ها گاه نشانه تردید است (البته نه تردید در دانستن بلکه تردید در گفتن یا نگفتن) که تا اینجا به جنسیت گوینده ارتباطی ندارد وگاه گوینده با وقفه‌های معنی‌دار و با استفاده از بلاغت سکوت علاوه بر انگیزش حس کنجکاوی در مخاطب، او را برای پرکردن خطهای سفید میان کلام خود ترغیب می‌کند که بررسی گزاره‌های روانی‌پور نشان داد استفاده از این ترفند در زبان زنان داستانهای او بسامد قابل توجهی دارد:

«دیگه... دیگه اون لباسو نبوش... همون طلائی، که دیشب... من ... از پشت بون...» (همان: ۱۹).

«خب، خب... این‌طور نیس، یعنی همیشه نیس، بعضی وقتا...» (همان).

۵-۱-۴-۳ نقل قول مستقیم

«خانم معلم می‌گه، او هم محتاجه، مثل گدا» (همان: ۲۱).

«خانم معلم می‌گه اینا سرنوشت غم‌انگیزی دارن» (همان: ۲۵).

«نه می‌گه باید به خونه و زندگی برسم» (همان: ۳۷).

با وجود تعاریفی که از سوی زبان‌شناسان مبنی بر عدم قطعیت در کلام زنان و ضعف در داشتن کلامی قاطعانه ارائه می‌شود، می‌توان گفت نویسنده در بعضی قسمتها، زنان داستان را به استفاده از تشدیدکننده‌ها ملزم کرده است تا کلام ایشان را از شکل ضعیف زبانی خارج کند. البته باید گفت تعدیل‌کننده‌ها و سایر عوامل در کلامشان دیده می‌شود؛ ولی زبان زنان این رمان به‌صورت صرف ضعیف و بیش از حد مطیعانه نیست. در این رمان گفتگوهای زیادی میان زنان و مردان داستان رخ نمی‌دهد و بیشتر این زنان

هستند که به ایفای نقش می‌پردازند. این عدم قدرت در زبان در فصلی با عنوان کنیز و، که مردان چندان دارای قدرت نیستند، بیشتر به چشم می‌خورد. استفاده از دو متغیر نقل قول مستقیم و جملات ناتمام، تنها به همین نمونه‌های آورده شده ختم می‌شود و بیانگر این است که نویسنده ضعف زبانی‌ای را که زبان‌شناسان مختص کلام زنان دانسته‌اند از زبان شخصیت‌های زن رمانش تا حدود زیادی دور کرده است.

۶-۴-۱-۳ سوگندواژه‌ها

در فرهنگ عامه ما این باور هست که زنان بیشتر از مردان سوگند می‌خورند. در مورد تفاوت‌های گویشوران مرد و زن درباره سوگند خوردن و به کارگیری سوگندواژه‌ها در زبان انگلیسی پژوهش‌هایی انجام شده است.

گوم^۶ این نکته را بیان می‌کند که زنان بیش از مردان قسم می‌خورند. این تحقیقات همچنین نشان می‌دهد که در گفتگوهای تک جنسیتی آمار به کارگیری سوگندواژه‌ها بسیار زیادتر بوده است. این تحقیقات نشان می‌دهد که این چنین ویژگی‌های گفتگویی شاید در نظام‌های فرهنگی مختلف وجود داشته باشد (جان‌نژاد، ۱۳۸۰: ۱۲۱). همچنین یسپرسن^۷ معتقد است: «در جوامعی که سوگند خوردن معمول است زنان بیشتر از مردان سوگند می‌خورند» (همان، ۱۲۳). سوگندواژه‌ها می‌تواند هم شامل سوگند خورن به مقدسات دینی باشد مانند «به خدا»، «به حضرت عباس» و هم شامل سوگند خوردن به چیزهای با ارزش و مهم زندگی فرد. نمونه:

«تو را خدا... تو را خدا نکن... مُردم» (روانی پور، ۱۳۸۰: ۳۴).

«در و باز کن، تو رو خدا، مادر...» (همان: ۳۵).

«هی! ما بی گناهیم، به خدا ما بی گناهیم» (همان: ۵۲).

«تو را خدا منو ببین» (همان: ۱۱۵)

این عبارات نشان‌دهنده این است که گوینده آن را برای تأکید بیشتر و اقناع بیشتر مخاطب خود، به کار می‌برد. این متغیر زبانی در رمان تا حدود زیادی دیده می‌شود که برای بیان عجز و گاه نوعی استمداد است و در بعضی مواقع التماس‌گویی کلام را نشان می‌دهد و این در بعضی از موارد نشان‌دهنده ضعف زنان داستان است.

۳-۴-۱-۷ رنگواژه‌ها

زبان‌شناسان معتقدند زبان مردانه جدی و کلی‌نگر است در حالی که زبان زنانه احساسی

و جزئی‌نگر است. در زبان زنانه توجه به جزئیات و ترکیب کلی آن دقیقتر از زبان کلی‌نگر مردانه است. لیکاف رنگواژه‌ها را مهمترین زمینه‌ای می‌داند که جزئی‌نگری زبان زنانه را منعکس می‌کند. او اظهار می‌کند، رنگواژه‌هایی که توسط زنان به کار برده می‌شوند بسیار دقیقتر از رنگواژه‌های مردانه است. واژگان مربوط به رنگ از قبیل موشی، نیلی، ماشی، نخودی و عدسی را بیشتر زنان به کار می‌برند. ساخت واژگان زبان محملی است که فرهنگ و اندیشه جمعی در آن ظهور می‌کند. در واقع یکی از مشخصترین سطوح هر زبان واژه‌ها و ساخت واژگانی آن است. از این رو با بررسی در این حوزه شواهد روشنی را می‌توان به دست آورد که در تحلیل زبان بسیار مهم است (پاکنهادجبروتی، ۱۳۸۱: ۵۵). نمونه:

«پسین که شد گلپر را دیدند. چشمان زمردیش می‌درخشید و هفت گیس بلند طلایی رو شانه‌هاش می‌لغزید» (روانی‌پور، ۱۳۸۰: ۳۹).

«آبی است. صورتش هم آبی است. موهایش نقره‌ای ست» (همان: ۵۰).

«برمی‌گردد نگاهم می‌کند. چشمانش رنگ خرماس» (همان: ۵۴).

«ماهیه‌ای سبز، طلایی، سرخ، آبی در آتش دریایی می‌سوزند» (همان: ۵۵).

«خالو با چشمان لیمویی مهربانش و عرق‌چین سفیدی که موهای نقره‌ایش را می‌پوشاند چشم می‌دوزد به شب» (همان: ۷۲).

«چشمانی که سبز است که لیمویی است که یشمی است و رگه‌های سرخ دارد و رگه‌های سرخ...» (همان: ۹۱).

دایره واژه‌های توصیف رنگ در گروه زنان وسیعتر است. آنان از اصطلاحاتی استفاده می‌کنند که در میان گروه مردان معمول نیست. رنگهای ارغوانی روشن و نخودی در زبان انگلیسی از این نوع است. همان‌طور که رنگهای نخودی، پسته‌ای، یشمی، آجری، عدسی، موشی، فیلی و... در زبان فارسی در گونه زبانی زنان معمول است (شریفی‌مقدم و بردبار، ۱۳۸۹: ۱۳۴)، استفاده از رنگواژه‌ها نشان‌دهنده جزئی‌نگری زنان نسبت به مردان کل‌نگر است که میان شخصیت‌های زن در این رمان با توجه به فضای حاکم تا حدودی به کار برده شده است.

۳-۱-۵ صفات و بار عاطفی کلام

واژه‌هایی چون «طفلک»، «نازی»، «موشی»، «حیوونی» در زبان فارسی و Divine , Sweet , Lovely (به ترتیب بانمک، الهی، نازی و دوست‌داشتنی) در زبان انگلیسی که بار احساسی و عاطفی دارد و نمایانگر احساس فرد است و نوعی همدردی را بیان می‌کند،

در گونه گفتاری و نوشتاری زنان معمولتر است. این توانش سبب اثرگذاری بیشتر بر شریک گفتمانی و جذب مخاطب می‌شود (شعیری و ترابی، ۱۳۹۱: ۴۴). استفاده از صفات، جزء جدانشدنی‌ای از کلام زنان است که این را می‌توان در زبان زنان داستان بخوبی مشاهده کرد. لیکاف هم استفاده از صفاتی مانند شیرین، ملیح، قشنگ و... را مخصوص زنان می‌داند. ولفسون^۸ و مانیس^۹ هم در پژوهش خود دریافتند «بزرگ» رایجترین صفتی است که به وسیله مردان به کار برده می‌شود و صفت «زیبا» هم به وسیله مردان و هم زنان استفاده می‌شود (شکاری، ۱۳۹۳: ۱۰۱).

«دیره، دیگه نمی‌شه عینی چشم سیاه» (همان: ۱۶).

«بوبونی آه می‌کشد: چه موهای قشنگی داره» (همان: ۵۳).

«جوون بالابندم وای، جوان حجله ندیده‌ام وای» (همان: ۶۲).

«ای نهم جان، می‌بافم و می‌فروشم عزیز» (همان: ۱۱۶).

«ناز... نازی تو کجا بودی؟ از کجا پیدات شد آخ عزیز عزیز خوش آمدی» (همان: ۱۴۴).

شواهد این رمان نشان می‌دهد در گفتگوهای مربوط به زنان صفات عاطفی به کار برده شده در کلامشان چندان برجسته نیست و با نظریات لیکاف، پیتون و یسپرسن همخوانی ندارد که کاربرد صفات عاطفی را مختص زبان زنانه می‌دانند. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت نویسنده بخوبی نتوانسته است، صفات عاطفی را در زبان شخصیت‌های زن رمان به کار برد و از این لحاظ زبان زنان با وجود مثالهای کمی که در طول رمان به چشم می‌خورد تا حدودی عاری از عاطفه است.

۳-۱-۶ جملات و عبارات تعجبی ندایی

به نظر برند، الگوهای گفتاری زنان با مردان متفاوت است و زنان بیشتر از مردان از الگوهای مربوط به شگفتی ادب استفاده می‌کنند (شیخی، ۱۳۹۲: ۱۱۶). جملات و عبارات تعجبی - ندایی را به دو گروه تقسیم‌بندی کرده‌اند: گروه اول اصطلاحاتی است که با جنسیت مونث گویشور ارتباط دارد و بار کلامی - اجتماعی زنانگی دارد و به هیچ‌وجه در رفتار زبانی مردان دیده نمی‌شود؛ مانند: اِوا خاک عالم، وا و گروه دوم کلماتی مانند: آه، به، به‌به، آخ و ... هستند که بیانگر توجه مثبت شنونده به گفتار گوینده است و می‌تواند هم به وسیله گویشوران زن و هم گویشوران مرد استفاده شود. (شکاری، ۱۳۹۳: ۵۶). نمونه‌ها:

«وه ... وه... مرگ بوات وه...» (روانی پور، ۱۳۸۰: ۸).

«هی ... هی منیرو، مریمو، صدو، نصفه شبه، بمبک بخوردتون... هی، هی» (همان: ۱۵).
 «وای مادر بزرگ! کو؟ کو؟» (همان: ۶۳).
 «آخ... اومدین دنبال من» (همان: ۱۲۵).
 «آخ فاطمی، لامصب، آخه شما کجا هستین» (همان: ۱۳۷).

بررسی جملات و عبارات تعجبی و ندایی در این رمان نشان می‌دهد که این متغیر به صورت قابل توجهی توسط شخصیتهای مونث رمان استفاده شده است و در طول رمان شخصیتهای مذکر از این گونه جملات در گفتگوهای خود استفاده نکرده‌اند؛ زیرا همان‌طور که یافته‌های ما در کاربرد زبان معیار و استاندارد نشان داد، زبان زنان نوعی عامیانه‌گی را در خود گنجانده است. بنابراین از قبل قابل پیش‌بینی بود که در این کلیشه‌های شخصیتهای زن رمان از آن استفاده زیادی کنند. بنابراین نویسنده آنها را مطابق با کلیشه‌های زبانشناختی در گفتگوهای شخصیت‌ها به‌کار برده و از این حیث زبان شخصیتهای داستان بدرستی ایجاد شده و نویسنده در کار خود موفق بوده است.

۴. دستاورد

این پژوهش مطالعه‌ای است که به بررسی و ارزیابی تأثیر جنسیت نویسنده بر زبان شخصیتهای زن و مرد پرداخته است. این مطالعه به صورت بین‌رشته‌ای از یافته‌های علم زبانشناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی زبان - که رشته‌هایی نسبتاً جدید است - در تحلیل زبانی متون ادبی بهره برده است. همچنین هر جا که نیاز دیده شد از نظریات نظریه‌پردازان فمینیست بویژه زبانشناسان فمینیستی برای توضیح و تبیین فرضیات استفاده شد و این نتیجه به دست آمد که زبان در رمان کنیزو اگرچه با بسیاری از کلیشه‌های زبانشناسی تا حدودی همخوانی دارد؛ اما جنسیت مونث نویسنده در آن تأثیر گذاشته و باعث شده است تا زبان زنان که باید زبانی معیار و استاندارد باشد به نوعی خشن و غیراستاندارد شود. کاربرد کمتر صفات و پرسشهای ضمیمه‌ای و تعدیل‌کننده‌ها توسط زنان در این رمان براساس همان فرضیه‌ی یادشده قابل توجیه است؛ اما در موارد دیگر زنان در این رمان به استفاده از متغیرهایی مانند کاربرد دستورها، قاطعیت و انقیاد و تشدیدکننده‌ها پرداخته‌اند که تا حدودی باعث عدم همخوانی با نظر زبانشناسان می‌شود؛ اما استفاده از رنگواژه‌ها، جملات تعجبی و ندایی هم، شاهد همخوانی آنها با کلیشه‌ها و یافته‌های زبانشناسان است. بنابراین عوامل زبانی زبان زنانه در رمان تا حدودی مساوی به‌کار رفته است. اگرچه رمان از حیث استفاده از کلیشه‌های زبانشناسی

وضعیت مطلوبی دارد، تأثیر جنسیت نویسنده در زبان آن انکارناپذیر است. لیکاف زبان‌شناس معروف فمینیسم، یکی از مهمترین وجوه اختلاف نوشتار زنان و مردان را در رنگواژه‌ها می‌داند. به عقیده او زنان چون برخلاف مردان، که کلی‌نگر هستند به جزئیات توجه زیادی می‌کنند از رنگواژه‌های بیشتر و گوناگونتری در نوشته‌هایشان استفاده می‌کنند. این موضوع با بررسی‌ای که در مورد رنگواژه‌ها انجام گرفت، کاملاً به اثبات رسید. پس می‌توان نتیجه گرفت جنسیت نویسنده در زبان رمان و زبان شخصیت‌های زن بسیار مؤثر است که در بررسی‌های زبانی هر اثر نباید آن را از نظر دور داشت.

پی‌نوشت

1. Feminism
2. Robin Tolmach Lakoff
3. Ericsson
4. Janssen
5. O Bar
6. Gumma
7. Jespersion
8. Wolfson
9. Manis

منابع

- ابراهیمی، قربانعلی؛ «تحلیل گفتمان باز تولید زبان جنسیتی در مجلات عامه‌پسند فارسی در ایران»؛ پژوهش زنان، ۱۳۸۸، ص ۶۶-۳۳.
- ارباب، سپیده؛ «بررسی و طبقه‌بندی دشواژه‌های رایج فارسی در تداول عامه»؛ پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، س دوم، ش ۴، ۱۳۹۱، ص ۱۰۷-۱۲۴.
- بختیاری، بهروز؛ مریم، دهقانی؛ «رابطه زبان و جنسیت در رمان معاصر فارسی: بررسی شش رمان»؛ زن در فرهنگ و هنر، ۱۳۹۲، ص ۵۵۶-۵۴۳.
- برزگر آق‌قلعه، عبدالحسین؛ جنسیت و تفاوت واژگان افراد در فارسی معیار به کار رفته در ادبیات داستانی، پایان‌نامه ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
- بهمنی مطلق، یدالله؛ «مقایسه زبان زنان در آثار سیمین دانشور و جلال آل‌احمد»؛ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ؛ س ۳، ش ۱۱، ۱۳۹۱، ص ۵۹-۴۳.
- بهمنی مطلق، یدالله؛ بهزاد، مروی؛ «رابطه زبان و جنسیت در رمان‌های تهران»؛ دو فصلنامه زبان و ادب پارسی، سال ۲۲، ش ۷۶، ۱۳۹۳، ص ۱۲-۲۰.
- پاک‌نهاد جبروتی، مریم؛ فرادستی و فرودستی در زبان؛ تهران: گام نو، ۱۳۸۱.



- جان نژاد، محسن؛ زبان و جنسیت: پژوهشی زبانشناختی اجتماعی تفاوت‌های زبانی میان گویشوران مرد و زن ایرانی در تعامل مکالمه‌ای، ۱۳۸۰، پایان‌نامه دکترا، دانشگاه تهران.
- روانی‌پور، منیرو؛ اهل غرق؛ چ دوم، تهران: قصه، ۱۳۶۹.
- روانی‌پور، منیرو؛ کنیزو؛ چ چهارم، تهران: نیلوفر، ۱۳۸۰.
- _____؛ گنجشک و آقای رئیس‌جمهور؛ تهران: قصه، ۱۳۵۵.
- _____؛ دل فولاد، تهران: قصه، ۱۳۶۹.
- _____؛ سیریا سیریا، تهران: نیلوفر، ۱۳۷۲.
- _____؛ کولی کنار آتش، تهران: مرکز، ۱۳۷۸.
- _____؛ زن فرودگاه فرانکفورت؛ تهران: قصه، ۱۳۸۰.
- _____؛ نازلی؛ تهران: قصه، ۱۳۸۱.
- _____؛ سنگهای شیطان؛ تهران: مرکز، ۱۳۶۹.
- شریفی مقدم، آزاده؛ بردبار، آناهیتا؛ «تمایز گونگی جنسیت در اشعار پروین اعتصامی پژوهشی زبان‌شناختی»؛ دو فصلنامه علمی-پژوهشی علوم انسانی زبان - پژوهشی دانشگاه الزهرا (س) (س) ۲، ش ۳، ۱۳۸۹، ص ۱۲۵-۱۵۱.
- شعیری، حمیدرضا؛ ترابی، بیتا؛ «بررسی شرایط تولید و دریافت معنا در ارتباط گفتمانی»؛ دو فصلنامه زبان پژوهی دانشگاه الزهرا، س ۳، ش ۶، ۱۳۹۱، ص ۱۲۵-۱۵۱.
- شکاری، محمود؛ مقایسه زبان مردانه و زنانه در رمان چراغها را من خاموش می‌کنم؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بیرجند، ۱۳۹۳.
- شیخی، تهمینه؛ «بررسی کاربرد دشواژه‌ها در گفتار گویشوران زبان ترکمنی»؛ مجله زبان شناخت، ش ۴، ۱۳۹۰، ص ۱۳-۱۴.
- فارسیان، محمدرضا؛ جنسیت در واژگان؛ ۱۳۷۸، پایان‌نامه کارشناسی، دانشگاه تهران.
- فریدمن، جین؛ فمینیسم؛ ترجمه فیروزه مهاجر، چ سوم، تهران: آشیان، ۱۳۸۱.
- مدرسی، یحیی؛ درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان؛ تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۸۷.
- محمدی‌اصل، عباس؛ جنسیت و زبانشناسی اجتماعی؛ تهران: گل‌آذین، ۱۳۸۸.
- نرسیسیانس، امیلیا؛ مردشناسی جنسیت؛ تهران: افکار، ۱۳۸۳.
- نوشین‌فر، ویدا؛ «زبان و جنسیت»؛ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند، ۲، ۱۳۸۱، ص ۱۸۱-۱۸۸.